



بز دل ها!

فواد عبداللہی

به دنبال تراژدی زلزله در استانهای غربی ایران، "ستاره" های عجیبی در آسمان سیاست ایران شروع به "درخشیدن" کردند! مولوی عبدالحمید یکی از آنهاست؛ کسی که دنبال "حقیقت" و "گیر دادن" به حقیقت است! کسی که خودش با پای خودش آمده است و دم در منتظر است که در را باز کنید و بفهمید که حقیقت همان چیزی است که جانورانی مثل وی بلغور میکنند. در حالیکه همه میدانند مجرمین و مسببین اصلی فاجعه زلزله، از ولی

فقیه تا قوای سه گانه و تا تمام کله سران و سردمداران ریز و درشت نظام اند، اما جناب عبدالحمید زلزله اخیر را "عذاب خدا" می داند و آنرا به حساب "بی خدایی کردها" گذاشته است. هیچکس در سیمای امروز جهان، در پیشرفت های شگرف و هر دم فزاینده بشر در عرصه علم و تکنیک، که اغلب حتی برای متفکرین و دانشمندان اوایل قرن بیستم، خواب و خیال و غیر قابل تصور می نمودند، زلزله اخیر را به "عذاب خدا" و

"بیخدایی" نسبت نمی دهد. بشر بر طبیعت کنترول باورنکردنی پیدا کرده و ظرفیت و امکان و توانایی ایجاد جهانی حقیقتا شایسته زندگی خود را به دست آورده است. اما کفگیر جمهوری اسلامی باید به ته دیگ خورده باشد که دلک و کودنی چون عبدالحمید را جلو می اندازد.

حالا شاید کسی پیدا شود و بگوید: بیخیال ماجرا شوید و بگذارید کارش را بکنند. فو قش حرفی زده و ملت نیم ساعت خندیدند. مگر در این مملکت چندتا جانور بز دل و دلک مثل او داریم که بتواند در یک لحظه مفت و مجانی ۷۰ میلیون آدم را "بخنداند"؟! ... صفحه ۲

تجمع و راهپیمایی در شهر ولفسبورگ آلمان
در دفاع از پناهجویان افغانستانی

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۴



آزادی محمود صالحی

یک موفقیت بود!

خالد حاج محمدی

جمهوری اسلامی نتوانست سر محمود صالحی را زیر آب کند. نتوانستند او را بیشتر از این در زندان نگهدارند و با مرگ او خود را خلاص کنند و به کارگر و آزادیخواهان و صف برابری طلبان "درس عبرت" بدهند. دستگیری محمود صالحی در بیمارستان و به شیوه بسیار وقیحانه ای که فقط از سرکوبگران جمهوری اسلامی بر می آید، اعلام حکم یک سال زندان به او بر اساس پرونده سازی حقوق بگیران وزارت اطلاعات، زنجیر کردن او در بیمارستان و... همگی قرار بود "درس عبرتی" به هر کارگر و انسان عدالتخواهی باشد، که علیه بیحقوقی و استثمار و بردگی در این جامعه زبان بگشاید. اما این آرزوی شوم شکست خورد و حکم دهندگان مجبور شدند عقب نشینی کنند. آنها ناچار شدند حکم زندان او را به وجه نقد تبدیل کنند. سرانجام و بر اساس اطلاعیه کمیته دفاع از محمود صالحی، روز دوم آذر ۱۳۹۶ برابر با ۲۳ نوامبر ۲۰۱۷ و بعد از ۲۴ روز، محمود صالحی از زندان آزاد شد. همینجا آزادی محمود صالحی را به نجیبه صالح زاده و فرزندان آنها، به خانواده و بستگان آنها و به همه کسانی که برای آزادی او تلاش کردند تبریک میگویم. آزادی محمود صالحی یک موفقیت بود و این موفقیت را باید ارج گذاشت. تبدیل حکم زندان به پول و معامله سه میلیون تومانی با حکم زندان وی تنها راهی بود که جمهوری اسلامی میتوانست عقب نشینی و شکست خود را "آبرومندان" و ابعاد فشار بر خود و پیروزی ما در آزادی محمود صالحی را کوچک و "ناچیز" نشان دهد.

آزادی محمود صالحی مدیون تلاش شبانه روزی نجیبه صالح زاده و خانواده و دوستان او، مدیون تلاش همه جانبه صفی از کارگران، کمونیستها و آزادیخواهان ... صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری

بزدل ها ...
 علیه کل این ارتجاع است. کویید.
 ماشینهای کمک رسانی
 موجودی که از ارتجاع مذهبی حاکم در ایران تغذیه میکند، دلال مذهبی که هم سر در آخور شیخ پشم الدین های سنی منطقه دارد و هم از توبه "نظام شیعه" بی نصیب نیست، مثلا آمده است تا نقش کثیف و تحمیلی دم و دستگاه مذهب و دولت را در توجیه تباهی فیزیکی و معنوی میلیونها انسان را درز بگیرد.
 نخیر آقا! معضل اصلی شما و اربابان تان نه "بیخدایی کردها"، که پیوستگی این جغرافیا با تاریخ حمله جمهوری اسلامی به دستاوردهای انقلاب ۵۷ و مقاومت توده ای و متحزب

کمیته‌های مردمی که تجربه تقابل و جنگ توده ای و چندین ساله با مصیبتی به نام جمهوری اسلامی را دارند به راحتی و در یک چشم به هم زدن، وسیعترین کمک رسانی مردمی را سازمان داده و بدون کمترین توهم به اقدام نهادهای دولتی دست به کار شدند، به کمک قربانیان شتافتند و جمهوری اسلامی را آچمز و البته بی آبرو کردند. معلوم شد جمهوری اسلامی علیرغم سرکوب، استبداد، دستگیری و اعدام و ... هنوز نتوانسته است اعتماد به نفس، عزت، احساس قدرت و همبستگی در جامعه را خفه کند. صحنه های پرشور کمکهای داوطلبانه مردم، صف طویل

در آزادی بدون احساس امنیت، بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند، ممکن نیست.
 بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برجیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت، بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند، ممکن نیست.
 بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برجیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

۱ - اطاعت بی چون و چرای پایین از بالا در نیروهای مسلح لغو شود. هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض باشد یا با اصول انسانی و وجدانی وی مغایرت داشته باشد امتناع کند.
 ۲- هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول اعتقادات وی مغایر است، امتناع کند.
 ۳ - نیروهای انتظامی باید در حین ماموریت و انجام وظیفه، اونیفورم نظامی خود را به تن داشته باشند و اسلحه خود را به نحوی حمل کنند که دیده شود.
 ۴- تشکیل نیروی مسلح فاقد اونیفورم و یا انجام ماموریت بعنوان پلیس مسلح در لباس سیویل ممنوع است.
 ۵ - لغو دیپلماسی سری
 ۶- ممنوعیت ورود کشور به پیمان های ضد مردمی، نظامی، سلطه طلبانه و سرکوبگرانه
 ۷- ممنوعیت گسترش میلیتاریسم، دخالت نظامی میلیتاریستی در کشورهای منطقه، ممنوعیت مسلح کردن دسته های قومی و مذهبی .

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

آزادی محمود صالحی ...

در ایران و خارج کشور و همه جریان‌های بود که در این تلاش شریک شدند. کم نبودند اتحادیه‌های کارگری که در کشورهای مختلف از فرانسه تا کانادا و ... علیه حکم زندان محمود صالحی به مقامات جمهوری اسلامی اعتراض کردند. اعتراضی که دیوار سانسور، سکوت و مماشات دول غربی که امروز دست آشتی به سوی جمهوری اسلامی دراز کرده‌اند و ایران را جامعه‌ای قابل تحمل و یکی از حلقه‌های حفظ "امنیت" در خاورمیانه معرفی میکنند، را شکست. اعتراضات، تجمعات و اکسیونهای اعتراضی که در کشورهای مختلف اروپایی برای آزادی محمود صالحی و علیه دستگیری فعالین کارگری و پدیده زندانی سیاسی در ایران برگزار شد، بشریت متمدن را متوجه خطری که روزانه جان محمود صالحی‌ها را تهدید میکند، کرد. دول غربی میتوانند بنا به منافع امروز خود چهره کریه جمهوری اسلامی را بزرگ کنند و در مقابل سرکوب وسیع و بگسیر و ببندهای جمهوری اسلامی و زندانهای پر از کسانی که برای بهبود زندگی و علیه استبداد و بی‌عدالتی زبان گشوده‌اند، در مقابل توحش عریان حاکمین علیه طبقه کارگر و فعالین آن خفقان بگیرند. اعتراض هم طبقه‌ای‌ها در دنیا، دیوار این سکوت و مماشات را

میشکند و اعلام میکنند جمهوری اسلامی رژیم صد هزار اعدام و صدها هزار زندانی است. جمهوری اسلامی و مسئولین او در کردستان مجبور شدند محمود را آزاد کنند! اگر دست آنها بود دوست داشتند محمود صالحی را به سرنوشت شاهرخ زمانی دچار کنند. هر چند وضع وخیم سلامی محمود صالحی عمدتاً تحت تاثیر فشارهای زندان و اجحافتی است که در این چند دهه از جانب مراکز پلیسی و اطلاعاتی ایران به او شده است، اما آزادی او یک پیروزی هر چند کوچک اما ارزشمند است. آزادی محمود صالحی گام بسیار کوچکی است علیه زندان و بردگی و سیاست سرکوب و اربابی که جمهوری اسلامی برای زهر چشم گرفتن از جامعه، از طبقه کارگر و فعالین سوسیالیست آن و برای به سکوت کشاندن آنها در پیش گرفته است. هنوز کم نیستند فعالین کارگری، زنان و مردان آزادیخواه و انسانهای شریفی که به جرم دفاع از حقوق انسانی خود، به جرم تلاش برای زندگی‌ای قابل تحملتر و انسانی‌تر در زندانهای جمهوری اسلامی اسیراند. پایان دادن به پدیده زندانی سیاسی، بخشی از تلاش جنبش سوسیالیستی در جامعه ایران برای تاسمین رفاه، آزادی و برابری برای پایان دادن به حاکمیت

جمهوری اسلامی است. جنبشی که به وسعت جامعه آشکار و پنهان در جریان است. امروز و مستقل از موقعیت کنونی این جنبش و توازن قوای شدت نابرابر کنونی، صدای پای این جنبش را میتوان شنید. آنچه برای هر کارگر مبارز و آگاهی، برای هر زن برابری طلب و عدالتخواهی و برای هر انسان متمدن و شرافتمندی، جای امید است، توان و قدرت بالقوه این جنبش است. جمهوری اسلامی و خیل مدافعان و حقوق بگیران آن، بیش از هر کس به قدرت این جنبش واقف‌اند. آنها بیش از هر کس و جریانی به توان این جنبش و به خطری که این جنبش میتواند برای بورژوازی و حاکمیت آن ایجاد کند، آگاهند. کارگر پناهی صفی از ضدکارگرترین مهره‌های جمهوری اسلامی، مجیزگویی ارگانهای مختلف آنها به نام دفاع از کارگر، تلاش برای قناعت طبقه کارگر به وضع وخیم کنونی و با حيله و نیرنگهای مختلف، گواه این حقیقت است. جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر میتواند به تحرک بیفتد و با هر پیشروی خود، موجی از امید را نه تنها در میان کارگران ایران که در میان کل طبقه کارگر و محرومان در منطقه زنده کند. اگر این جنبش تکانی بخورد، اگر کمونیستهای ایران، رهبران و فعالین کمونیست طبقه کارگر

برابری زن و مرد:

ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی‌حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام‌ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان‌ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف‌پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش‌های محروم‌تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتاً و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی‌نشیند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند. ...

نه قومی، نه مذهبی!

زنده باد هویت انسانی!

بشتابند و هوشیارانه گامی به پیش بردارند، اگر رهبران این جنبش افقی روشن را در مقابل این جامعه بگذارند، رسیدن به دنیایی بهتر و آزاد باز کردن در زندانهای

جمهوری اسلامی و آزادی همه زندانیان سیاسی، تنها اولین و ابتدایی‌ترین قدم در رسیدن به دنیایی بهتر و آزاد باز کردن در زندانهای

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

تجمع و راهپیمایی در شهر ولفسبورگ آلمان در دفاع از پناهجویان افغانستانی

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

شنبه ۲۵ نوامبر ۲۰۱۷
تظاهراتی در شهر ولفسبورگ آلمان علیه سیاست تبعیض آمیز دولت آلمان در حق پناهجویان افغانستانی با شرکت صدها نفر از مردم انسان دوست این شهر برگزار شد. شعارهایی که در این تظاهرات سر داده شد علیه سیاست های تبعیض آمیز دولت آلمان و در دفاع از حقوق جهانشمول انسانها بود. واحدی از اعضای حزب حکمتیست نیز در این تظاهرات شرکت داشتند. کامیل همتی از اعضای حزب در یک سخنرانی کوتاه به نقد سیاست های دول غربی در خاورمیانه به عنوان مسببین اوضاع ناامن امروز منطقه و کل جهان پرداخت و با استقبال حاضرین مواجه شد؛ وی بر این مسئله نیز تاکید کرد که انسانیت نیازی به مرزکشی ندارد؛ وطن انسان جایی است که در آن زندگی و کار می کند؛ شایان توجه است که تنها در عرض ۹ ماه اول امسال (۲۰۱۷) از ۱۳ هزار پرونده پناهجویان افغانستانی متقاضی پناهندگی از دولت آلمان ۱۰ هزار نفر از آنها پاسخ ردی گرفته اند. دولت

آلمان در ۶ ماه اول امسال، بیش از ۲۵۰ نفر از آنها را به افغانستان دپورت کرده است. و تصمیم دارد که بقیه پناهجویانی که ردی گرفته اند را نیز دپورت کند چونکه ادعا دارد که افغانستان امروز، دیگر ناامنی گذشته را ندارد!! امسال تعهد نامه ای بین افغانستان و ای سو منعقد شد که راه اخراج پناهندگان افغانستانی را از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، مهیا کرد. اما اخراج پناهجویان افغانستانی بعد از تصویب این تعهد نامه که در قبال کمک اقتصادی به افغانستان به امضا رسیده است، محدود به آلمان نیست و برای نمونه در سوئد هم با

اعتراض مواجه شده است. با وصف این، اعتراضات به دپورت پناهجویان افغانستانی به همین دلیل و کماکان در آلمان ادامه داشته و دارد. دولت آلمان در رکاب راست افراطی علیه پناهندگان دست بکار شده است؛ در مقابل این هجوم وحشیانه دول دست راستی و سیاست های بغایت ضد انسانی آنها نباید سکوت کرد؛ تعرضی که امروز به جریان است اگر با مقاومت همه ما و صف وسیعی از بشریت متمدن در خود اروپا روبرو نشود، شرایط به مراتب وخیم تری را برای همه رقم خواهد زد.



زنده باد انقلاب کارگری!